

به نظر عجیب می‌آمد، ولی من وارد مدرسه‌ای شده بودم که در طبقه هم‌کف و یا شاید طبقه اول آن، کتابخانه ای وجود داشت با فضای کافی برای مطالعه دانش آموزان، معلمان و احتمالاً سایر مراجعه‌کنندگان. پنجره‌هایی که نور طبیعی را به محوطه داخلی منعکس می‌کرد، قفسه‌های کوتاه و بلند با علائم و نشانه‌های راهنما، تعدادی پوستر و تصویر نصب شده به در و دیوار کتابخانه که ضمن زیبایی و جذابیت، اهمیت کتاب و کتابخوانی را یادآور می‌شد و جمله‌های خطاطی شده (و شاید هم چاپی و یا رایانه‌ای) به نقل از بزرگان علم و معرفت و برگرفته از اسوه‌های دینی و مذهبی که همگی در باب «تکاپو برای معنا» رقم خورده بودند، توجهم را به خود جلب می‌کرد. میز امانت و خدمات مرجع به هم متصل بودند و چند قفسه، به منابع مرجعی اختصاص داشت که برخی برای معلمان و مربیان مناسب بود و تعدادی هم قابلیت استفاده برای دانش آموزان داشت. مجله‌ها و یکی - دو عنوان روزنامه هم در گوشه‌ای که نزدیک در ورودی بود، در قفسه مخصوص خود جای گرفته بودند.

روی یکی از قفسه‌های کوتاه، نوشته‌ای داخل یک قاب پایه دار، شبیه قاب عکس وجود داشت که من را به سوی خود کشاند. عنوان این نوشته، «پژوهش من» بود و در زیر آن جدولی فهرست‌مانند شامل عنوان، نام دانش آموز، مقطع تحصیلی (کلاس)، و نام معلم راهنما به چشم می‌خورد.

یک رؤیای شیرین ... !

نسرین دخت عمادخراسانی

* کارشناس رسمی دادگستری و مشاور در امور کتابداری



شماره ردیف	عنوان	نام دانش آموز	مقطع تحصیلی (کلاس)	نام معلم راهنما
۱	زیستگاه‌های ایران	نجفی	دوم راهنمایی	محبوبی
۲	نوروز			

داخل ستون‌های این جدول، تعدادی اسم و مشخصات نوشته شده بود. ضمناً بین در ورودی کتابخانه و میز امانت، یک تابلوی اعلانات با زمینه سبز به دیوار نصب شده بود که کاغذهای متعدد، به طور منظم روی آن قرار داشت. وقتی به نزدیک آن رفتم، متوجه شدم که برنامه کلاس‌های درس مدرسه و یک جدول زمان‌بندی با عنوان «کتابخانه و کلاس درس»، مجموعه کاغذهای نصب شده در تابلو اعلانات را تشکیل می‌دهند. لحظه به لحظه دایره سؤالاتم گسترده‌تر می‌شد و دلم می‌خواست زودتر به نتیجه می‌رسیدم. از نکته‌های جالب در این کتابخانه، آن بود که هم برگه دان وجود داشت و هم رایانه. دقیقاً تعدادشان به خاطر، نیست ولی بیش از یک دستگاه رایانه به چشم می‌خورد. چند نفر هم دور کتابدار مدرسه حلقه زده بودند و او پیوسته در حال توضیح‌دادن بود و گاهی هم کتابی را که در دست داشت، باز و بسته می‌کرد.

بعد از مدتی، دانش آموزان و کتابدار به سمت رایانه‌ها و قفسه‌ها رفتند و من از جایی که ایستاده بودم، می‌دیدم که کتابدار چقدر با حوصله و متانت با بچه‌ها سخن می‌گوید و به نظرم آن‌ها را برای انجام کاری و یا به سمت موضوعی مشخص هدایت می‌کرد. بالاخره، دیدم که کتابدار به تنهایی در پشت میز قرار گرفت و مشغول جمع و جور کردن کتاب‌ها شد که احتمالاً کتاب‌های برگشتی بودند. شتابان به نزدش رفتم و سلامی و خدقوتی گفتم. با لبخند و با تعجب از من پرسید، فرمایشی دارید؟ شما مربوط به این مدرسه هستید؟ به جای آن که به پرسش‌های کاملاً منطقی او پاسخ بدهم، با شتاب خاصی گفتم که من از شما چند سؤال دارم و بلافاصله صحبت قفسه‌هایی را که دیده و نوشته‌هایی را که خوانده بودم، پیش کشیدم و از او خواستم به من بگوید همه این‌هایی که دیده و خوانده بودم، یعنی چه؟

شنیدم که گفت عجیب است! بعد از این همه مدت، فقط یک نفر را می‌بینم که متوجه این نکته‌ها شده و می‌خواهد در این خصوص توضیحاتی بدهم. همه از من می‌خواهند که فقط آمار بدهم. چه تعداد کتاب داریم؟ سال گذشته چند تا کتاب خریدیم؟ برای سال بعد می‌خواهیم چندتا بخریم؟ چند تا کتاب گم شده؟ چند تا پاره شده؟ چند نمایشگاه برای مراسم مدرسه برگزار کرده‌ایم و یا باید برپا کنیم؟ و بعد اضافه کرد همه این چیزهایی را که دیده‌اید، خودم با سلیقه خودم انجام داده‌ام. البته کتاب‌هایی را هم خوانده و با چند نفر هم مشورت کرده‌ام، اما هیچ وقت کسی نپرسید و نگفت که این برای چیست و اصلاً چه فایده‌ای دارد؟ شاید هم فکر کرده‌اند من خودم را سرگرم می‌کنم، چون به نظر بعضی‌ها ما کار خاصی نمی‌کنیم. بیشتر وقت‌ها از من با حالت شوخی و یا تمسخر می‌پرسند: کتاب چیدن هم کاری دارد؟ می‌دانید، در این مواقع یک جوری دلم می‌گیرد و فکر می‌کنم پس همین است که کتابداران تحصیل کرده، کم‌تر حاضر می‌شوند به مدارس بیایند. در مدارس غیرانتفاعی (پولی) هم که کلی تبلیغ و سرو صدا دارند، برای داشتن کتابخانه‌ای مبتنی بر اصول علمی و با کتابدار متخصص، اهمیتی قائل نیستند ...

ناگهان با صدای زنگ ساعت، برای نماز صبح، از خواب بیدار شدم. خواب عجیبی بود؛ وجود یک کتابخانه اصولی در یک مدرسه با یک کتابدار متخصص و علاقه مند!

آن روز را «چالش با خویشتن» نام نهادم و مدام با خودم می‌گفتم هرچند که نکات مذکور برخاسته از یک رؤیای شیرین بود، قطعاً می‌تواند به واقعیت درآید و مصداق یابد. به مرور مطالعات و مشاهدات خود در باب کتابخانه‌های مدارس کشورمان پرداختم و ضمن آن، مقایسه هم می‌کردم با آنچه در دنیا دیده و شنیده و خوانده‌ام. با کشورهای پیشرفته با جاهایی که کتابدار از منزلت شغلی برخوردار است و حتی با گذشته ایرانی‌ها، آن زمانی که ابن سینا و مسعود سعد سلمان، به کتابدار بودنشان افتخار می‌کردند.

باید جست و جو می‌کردم که اشکال کار در کجاست و چرا کتابخانه‌های مدارس ما، در کشوری که همواره از زیرساخت‌های شعور و معرفت برخوردار بوده و سرزمینی که به نور وحی در قالب کلام قرآنی و معجزه‌ای به نام کتاب مزین شده است، این چنین مهجور و وامانده مطرح می‌شود و کتابدار مدرسه که می‌تواند مفسر علم و فن، در آزمایشگاه یادگیری - یعنی کتابخانه - باشد، در لایه‌های خاکستری ارزشگذاری قرار می‌گیرد؟

در جست‌وجوی خود، به بیابان سال ۲۰۰۰ ایفلا و یونسکو، درباره کتابخانه‌های مدارس^۱ مراجعه کردم. در این

بیانیه آمده است:

«کتابخانه های مدارس، اطلاعات و افکاری را ارائه می دهند که برای عملکرد موفقیت آمیز در جامعه اطلاعات مدار و دانش محور کنونی ضروری است. این کتابخانه ها، دانش آموزان را به مهارت های یادگیری مادام العمر مجهز می کنند و با پرورش قوه تخیل، آنان را برای ادامه زندگی به عنوان شهروندانی مسئول، آماده می سازند.»

در همین بیانیه، به رسالت کتابخانه های مدارس در باب عرضه خدمات کتابداری توأم با خدمات آموزشی تأکید می شود. از این منظر که این خدمات می بایست جامعه مخاطب کتابخانه های مدارس را «به اندیشه ورزانی نکته سنج و کاربرانی ورزیده برای استفاده از اطلاعات، در تمامی شکل ها و رسانه ها تبدیل کند».

بیانیه مذکور «کتابخانه مدرسه را جزء جدایی ناپذیر فرایند آموزش» اعلام می کند و از این رو، ایجاد، توسعه و بهینه سازی خدمات آن را عامل مهم و ضروری برای «گسترش سوادآموزی، سواد اطلاعاتی، آموزش و پرورش، یادگیری» و به طور کلی توسعه فرهنگی جوامع بشری در دنیا، به ویژه یک جامعه رو به رشد می داند. جالب است بدانیم در بند پایانی این بیانیه، تأکید شده است که دولت ها از طریق وزارتخانه های مسئول آموزش و پرورش، ملزم به تهیه راهبردها، خط مشی ها و طرح هایی هستند تا کتابخانه مدرسه، در برنامه های آموزش و پرورش کشورشان نهادینه شود.

به طور کلی، کتابخانه های مدارس که از انواع کتابخانه های آموزشی هستند، با حفظ هدف های مدرسه براساس نظام آموزشی کشور متبوع خود، به منظور ارائه خدمت به جامعه مخاطب خود - یعنی معلم و شاگرد - به وجود آمده اند و برای گردآوری و سازمان دهی مجموعه ای جامع و فراگیر، متناسب با میزان توانایی ها و نیاز استفاده کنندگان خاص خود، تلاش می کنند.

در این مقال، جای دارد به عوامل ایجاد و توسعه یک کتابخانه مدرسه کارآمد، بنابر رهنمودهای ایفلا، شامل منابع مالی و بودجه، جا و مکان مناسب، منابع و مجموعه، سازمان و مدیریت، نیروی انسانی، میزان بهره گیری از کتابخانه و ترویج خدمات، اشاره ای کنم:

- کتابخانه مدرسه باید از بودجه مستمر و مناسب برای تأمین نیروی انسانی، منابع، فناوری و تسهیلات برخوردار بوده و استفاده از خدمات آن رایگان باشد.

- کتابخانه مدرسه باید محیطی باز، جذاب، دلپذیر و شوق انگیز برای کاربران، در هر سن و سالی که باشند، فراهم سازد.

- کتابخانه های مدارس خدمات آموزشی، کتاب و منابعی را عرضه می کنند که از تنوع لازم (کتاب، نشریات ادواری، نقشه، رسانه های دیداری - شنیداری و رایانه ای) با سطح کیفی بالا برخوردار باشند.

- کتابدار مدرسه باید بتواند از عهده برنامه ریزی و اداره کتابخانه مدرسه برآید و ضمن حضور کمک کتابدار به تعداد کافی، بتواند با تمام اعضای جامعه مدرسه همکاری داشته و با کتابخانه های عمومی و سایر کتابخانه ها در ارتباط باشد.

- لازم است کتابخانه مدرسه، خدمات گسترده ای برای تحقق بخشیدن به برنامه ها و هدف های آموزشی سازمان مادر (مدرسه)، به کاربران و جامعه مدرسه ارائه دهد.

کتابخانه های مدارس، اطلاعات و افکاری را ارائه می دهند که برای عملکرد موفقیت آمیز در جامعه اطلاعات مدار و دانش محور کنونی ضروری است. این کتابخانه ها، دانش آموزان را به مهارت های یادگیری مادام العمر مجهز می کنند و با پرورش قوه تخیل، آنان را برای ادامه زندگی به عنوان شهروندانی مسئول، آماده می سازند.



- ترویج و تبلیغ مطالعه، خدمات و منابع کتابخانه مدرسه، برای تمام اعضای جامعه مدرسه و فراسوی آن، از جمله وظایف اصلی کتابخانه به شمار می رود.

گفتنی است که برابر آمار ارائه شده، در سال تحصیلی ۸۴-۱۳۸۳،^۳ تعداد ۱۳۵۴۸۵ آموزشگاه شامل مقاطع تحصیلی آمادگی، دبستان، راهنمایی، دبیرستان عمومی، فنی و حرفه‌ای و مراکز تربیت معلم و دانشسراهای روستایی در ایران وجود دارد که به طور دقیق‌تر عبارتند از: ۱۷۲۹۱ مدرسه با کلاس آمادگی، ۶۳۳۱۳ دبستان دولتی، ۲۸۹۳ دبستان غیردولتی، ۲۸۷۵۸ مدرسه راهنمایی دولتی، ۲۷۷۲ مدرسه راهنمایی غیردولتی، ۱۳۰۹۴ دبیرستان عمومی دولتی، ۲۵۶۴ دبیرستان عمومی غیردولتی، ۴۷۳۰ دبیرستان فنی و حرفه‌ای (شامل: آموزش‌های کشاورزی، خدمات، حرفه‌ای و هنرستان فنی) و ۷۰ مرکز تربیت معلم و دانشسرای روستایی.

با استناد به مطالب پیش‌گفته و با توجه به آمار مذکور، شاید بتوان وضعیت کتابخانه‌های مدارس کشورمان را در فرایند بررسی قرار داد:

۱. ساختمان و تجهیزات

بررسی‌های تاریخی نشان می‌دهد که طرح و ساختمان کتابخانه‌ها، ازدوران باستان، همواره مهم و مورد توجه بوده است. در جهان امروز هم به عنوان یک اصل مهم و پایه به تعریف درآمده و توسط انجمن‌ها و مؤسسات تخصصی کتابداری دنیا، در قالب معیارها و استانداردهای مختلف تهیه، تنظیم، تدوین و عرضه شده است.

در کشور ما به ندرت پیش آمده است که بخشی از ساختمان یک مدرسه، برای کتابخانه طراحی و بنا شود. معمولاً پس از اتمام کار، ضمن تقسیم فضاها و مکان‌ها برای کلاس‌ها و کارهای مختلف، جایی را به کتابخانه اختصاص می‌دهند؛ بدون آن که از قبل به این نکته توجهی داشته باشند.

گاه ساختمان‌های ساخته شده برای مدارس، به ویژه مدارس غیردولتی، از طریق اجاره و یا خرید، به استفاده موقت و یا دائم درمی‌آید. بدون شک این نوع ساختمان‌ها که از سازه معمولی و متداول همیشگی برخوردار است، هیچ گونه انگاره‌ای در خصوص مکان خاص کتابخانه‌ای ندارد. البته اخیراً در بناسازی‌های مدارس تا حدی به این مقوله، یعنی اختصاص دادن قسمتی از فضای بنای در دست ساختمان به کتابخانه، توجهی صورت می‌گیرد. ولی متأسفانه چون در معماری کلی ساختمان و نقشه‌کشی آن از همفکری کتابدار متخصص استفاده نمی‌شود، لذا با تصور بسیار ساده‌ای که از کتابخانه در ذهن طراح ساختمان جای می‌گیرد، کار مزبور نهایی می‌شود. درحالی که باید تسهیلات استفاده از خدمات کتابخانه، برای کلیه مراجعان، در اسرع وقت و با حفظ نکته‌های ایمنی و محیط لحاظ شود و حتی رنگ‌های استفاده شده برای در و دیوار، تزئین فضا با انواع پوست‌های و عکس‌ها و شعارها، استفاده از گیاهان سبز، گیاهان خشک و گیاهان مصنوعی مناسب، تمهید زدودن صداهای ناشی از رفت و آمدها با بهره‌گیری از انواع کف پوش‌های مناسب برای محیط کتابخانه و پله‌ها، از موارد مهمی است که می‌بایست در تخصیص جا و مکان برای کتابخانه مدرسه رعایت شود. از دیگر نکته‌های مهم مربوط به ساختمان کتابخانه‌های مدارس در کشور ما، این است که تاکنون نسبت به وضعیت رفت و آمد دانش‌آموزان معلول و ناتوانان جسمی به کتابخانه، توجهی صورت نگرفته است. به علت استقرار کتابخانه در طبقات بالای ساختمان و یا زیرزمین، نداشتن آسانسور و ... عملاً امکان مراجعه به کتابخانه و استفاده از آن، برای این گروه از جامعه مدرسه میسر نخواهد بود.

تجهیزات مناسب کتابخانه‌های مدارس شامل میز، صندلی، قفسه، برگه دان، کتاب بر، میز امانت، رایانه، ابزار و وسایل مربوط به آن ... تأثیر به‌سزایی در ارائه خدمات و جذب دانش‌آموزان و سایر اعضای جامعه مدرسه، به استفاده مستمر از کتابخانه دارد؛ زیرا وسایل کتابخانه برای تأمین دو نیاز «آرایش و آسایش»^۴ مورد استفاده قرار می‌گیرد. از این‌رو، در هنگام انتخاب و خرید تجهیزات، ابزار و وسایل کتابخانه‌های مدارس باید به معیارهای دوام و استحکام، قابلیت تطبیق و تغییر پذیری، راحتی و زیبایی، مقاومت در برابر آتش سوزی، میزان کاهش صدا و قیمت آن‌ها توجه کرد.

به استناد آمار موجود (به شرح گذشته)، کم‌تر از ۵۰ درصد آموزشگاه‌های کل کشور (حدود ۱۴ هزار باب) دارای کتابخانه هستند که شاید ۵-۱۰ درصد از آن‌ها تا حدی با برخی از معیارها و استانداردهای ایفلا هماهنگی و همخوانی داشته باشند.

۲. مجموعه

مجموعه یک کتابخانه، شامل کتاب‌ها و مواد خواندنی، اعم از چاپی و غیر چاپی (کتاب، نشریات ادواری، اسناد

به استناد آمار

موجود، کم‌تر

از ۵۰ درصد

آموزشگاه‌های کل

کشور (حدود ۱۴

هزار باب) دارای

کتابخانه هستند که

شاید ۵-۱۰ درصد

از آن‌ها تا حدی با

برخی از معیارها و

استانداردهای ایفلا

هماهنگی و همخوانی

داشته باشند.

آیا هر نوع کتاب و نشریه ای که در کتابخانه‌های مدارس جای می‌گیرد، برای خواندن دانش آموزان مناسب است؟ ظاهراً کتابداران مدارس ما که اغلب فاقد تحصیلات کتابداری هستند، از طریق نمایشگاه‌های مختلف کتاب در سراسر کشور، اقدام به خرید کتاب می‌کنند و معمولاً بدون توجه به اهمیت ایجاد تعادل و توازن در مجموعه کتابخانه، دست به خرید منابعی می‌زنند که تقریباً با محتوای آن بیگانه‌اند و انتخاب آن‌ها به لحاظ عنوان روی جلد و یا نام پدیدآورندگانی که از طریق رسانه‌های جمعی شهرت کسب کرده‌اند، صورت می‌گیرد. برخی از کتابخانه‌های مدارس هم از همفکری و همکاری تعدادی از معلمان آن مدرسه استفاده می‌کنند. اما متأسفانه فهرست‌های تهیه شده، حاکی از بی‌اطلاعی معلمان و مربیان مزبور، در خصوص انواع کتاب‌ها و خواندنی‌های مناسب و متناسب با میزان رشد جسمی و ذهنی دانش‌آموزان است.

وقتی معلم و یا شخصی که به عنوان کتابدار در کتابخانه مدرسه حضور دارد، با تعریف معیارهای ادبیات کودکان، نوجوانان و جوانان آشنایی ندارد و انواع آن را با توجه به گروه‌های سنی مختلف دانش‌آموزان، از مقطع آمادگی تا پیش دانشگاهی نمی‌شناسد، چگونه می‌تواند نقش مؤثری در مجموعه سازی کتابخانه مدرسه که آزمایشگاه یادگیری است، داشته باشد؟ وقتی با کتاب‌های مرجع مناسب برای گروه‌های سنی مذکور آشنا نیست و تفاوت محتوایی و ساختاری دایره المعارف‌ها با واژه‌نامه‌ها را نمی‌داند، چگونه می‌تواند در انتخاب و تهیه آن‌ها برای کتابخانه مدرسه مؤثر باشد؟ البته در یک نگاه صوری، کتابخانه‌های مدارس کشورمان، به هر تعداد و ساختاری که هستند، مجموعه نسبتاً فراوانی دارند؛ چون یا به صورت هدایی دریافت و یا خریداری شده‌اند. اما از نظر محتوایی دشواری‌هایی دارد که ساده‌ترین برآیند آن، عدم استفاده از بسیاری عناوین موجود در مجموعه کتابخانه است؛ یعنی اعضای کتابخانه (دانش‌آموزان مدرسه)، رغبتی به مطالعه آن‌ها نشان نمی‌دهند.

۳. کتابدار

در دوران گذشته واژه‌های «دانشمند»، «کتاب‌شناس» و «کتابدار» مترادف یکدیگر به کار می‌رفتند و افرادی که در این زمینه فعالیت داشتند، از احترام خاصی برخوردار بودند.

به تدریج نقش کتابدار، به سبب نیاز علمی جامعه دچار تحول شد و تغییر یافت. در واقع، پلی بین سنت‌ها و جامعه جدید گردید. به استناد رهنمودهای ایفلا^{۱۱}، کیفیت و غنای خدمات کتابخانه‌های مدارس، بستگی مستقیم به کتابداران و کمک کتابداران دارد. ویژگی‌های کتابدار مدرسه، به لحاظ رابطه کتابدار با خود خویشتن، کتابدار با کتابخانه و کتابدار با جامعه‌ای که به آن تعلق دارد، قابل بررسی و تعمق است. کتابدار مدرسه اگر خود به یادگیری مستمر معتقد نباشد، مسلماً نمی‌تواند کتابخانه مدرسه را در قالب «آزمایشگاه یادگیری» ببیند. اگر معلومات و اطلاعات کافی در حوزه سازمان‌دهی و خدمات کتابخانه نداشته باشد، در ایجاد مهارت‌های لازم برای جست‌وجو و تحقیق در دانش‌آموزان موفق نخواهد بود. اگر کتابخانه‌ای را که در آن کار می‌کند، به خوبی نشناسد، قطعاً نمی‌تواند در راستای شناساندن کتابخانه به جامعه مدرسه، نقش مؤثری داشته باشد. هم‌چنین، اگر با پدیده‌های مختلف اجتماع خود آشنا نباشد، بدیهی است که قادر به همکاری در توانمندسازی و یا بهسازی روحیات اجتماعی دانش‌آموزان نخواهد بود.

و مدارک [جزوه]، نقشه، رسانه‌های دیداری- شنیداری و الکترونیکی) است که برای استفاده مراجعان جمع‌آوری، سازمان‌دهی، نگهداری و بازیابی می‌شود. مجموعه کتابخانه مدرسه نیز با توجه به ترکیب فوق شکل می‌گیرد و به استناد رهنمودهای ایفلا، می‌بایست کتابخانه مدرسه امکان دستیابی دانش‌آموزان و سایر کاربران خود را به مجموعه‌ای گسترده و غنی در زمینه‌های درسی و آموزشی، اطلاعات عمومی و خودسازی فراهم آورد. این مجموعه باید به صورت مستمر و براساس سیاست‌های مدون کتابخانه، رشد و گسترش یابد تا کاربران همواره بتوانند به منابع تازه دسترسی داشته باشند.^۵

سرشت کتابخانه‌های آموزشی (مدرسه)، چنین است که باید با نوآوری‌های آموزشی سازگار باشد.^۶ علاوه بر منابع آموزشی، انواع ادبیات کودکان و نوجوانان، شامل داستان‌ها، کتاب‌های علمی، هنری و سرگرمی ... برای پرکردن اوقات فراغت دانش‌آموزان و ایجاد عادت به مطالعه در آن‌ها مورد نیاز است که باید در تهیه مجموعه کتابخانه مدرسه در نظر گرفته شوند.^۷

بنابر رهنمودهای ایفلا، کتابخانه مدرسه باید به ازای هر دانش‌آموز، حداقل ۱۰ عنوان کتاب داشته باشد که می‌بایست با هدف تأمین نیازهای آموزشی و نیازهای فردی دانش‌آموزان و حتی اولیا و مربیان تهیه شوند و در فرایند سازمان‌دهی اصولی براساس نظام‌های معتبر کتابداری قرار گیرند.^۸

از این «بایدها» که بگذریم، واقعاً دانش‌آموزان ما به عنوان مهم‌ترین اعضای جامعه مدرسه «چه چیزهایی باید بخوانند؟»^۹ آیا هر نوع کتاب و نشریه‌ای که در کتابخانه‌های مدارس جای می‌گیرد، برای خواندن دانش‌آموزان مناسب است؟ ظاهراً کتابداران مدارس ما که اغلب فاقد تحصیلات کتابداری هستند، از طریق نمایشگاه‌های مختلف کتاب در سراسر کشور، اقدام به خرید کتاب می‌کنند و معمولاً بدون توجه به اهمیت ایجاد تعادل و توازن در مجموعه کتابخانه، دست به خرید منابعی می‌زنند که تقریباً با محتوای آن بیگانه‌اند و انتخاب آن‌ها به لحاظ عنوان روی جلد و یا نام پدیدآورندگانی که از طریق رسانه‌های جمعی شهرت کسب کرده‌اند، صورت می‌گیرد. برخی از کتابخانه‌های مدارس هم از همفکری و همکاری تعدادی از معلمان آن مدرسه استفاده می‌کنند. اما متأسفانه فهرست‌های تهیه شده، حاکی از بی‌اطلاعی معلمان و مربیان مزبور، در خصوص انواع کتاب‌ها و خواندنی‌های مناسب و متناسب با میزان رشد جسمی و ذهنی دانش‌آموزان است.

وقتی معلم و یا شخصی که به عنوان کتابدار در کتابخانه مدرسه حضور دارد، با تعریف معیارهای ادبیات کودکان، نوجوانان و جوانان آشنایی ندارد و انواع آن را با توجه به گروه‌های سنی مختلف دانش‌آموزان، از مقطع آمادگی تا پیش دانشگاهی نمی‌شناسد، چگونه می‌تواند نقش مؤثری در مجموعه سازی کتابخانه مدرسه که آزمایشگاه یادگیری است، داشته باشد؟ وقتی با کتاب‌های مرجع مناسب برای گروه‌های سنی مذکور آشنا نیست و تفاوت محتوایی و ساختاری دایره المعارف‌ها با واژه‌نامه‌ها را نمی‌داند، چگونه می‌تواند در انتخاب و تهیه آن‌ها برای کتابخانه مدرسه مؤثر باشد؟ البته در یک نگاه صوری، کتابخانه‌های مدارس کشورمان، به هر تعداد و ساختاری که هستند، مجموعه نسبتاً فراوانی دارند؛ چون یا به صورت هدایی دریافت و یا خریداری شده‌اند. اما از نظر محتوایی دشواری‌هایی دارد که ساده‌ترین برآیند آن، عدم استفاده از بسیاری عناوین موجود در مجموعه کتابخانه است؛ یعنی اعضای کتابخانه (دانش‌آموزان مدرسه)، رغبتی به مطالعه آن‌ها نشان نمی‌دهند.

۳. کتابدار

در دوران گذشته واژه‌های «دانشمند»، «کتاب‌شناس» و «کتابدار» مترادف یکدیگر به کار می‌رفتند و افرادی که در این زمینه فعالیت داشتند، از احترام خاصی برخوردار بودند.

به تدریج نقش کتابدار، به سبب نیاز علمی جامعه دچار تحول شد و تغییر یافت. در واقع، پلی بین سنت‌ها و جامعه جدید گردید. به استناد رهنمودهای ایفلا^{۱۱}، کیفیت و غنای خدمات کتابخانه‌های مدارس، بستگی مستقیم به کتابداران و کمک کتابداران دارد. ویژگی‌های کتابدار مدرسه، به لحاظ رابطه کتابدار با خود خویشتن، کتابدار با کتابخانه و کتابدار با جامعه‌ای که به آن تعلق دارد، قابل بررسی و تعمق است. کتابدار مدرسه اگر خود به یادگیری مستمر معتقد نباشد، مسلماً نمی‌تواند کتابخانه مدرسه را در قالب «آزمایشگاه یادگیری» ببیند. اگر معلومات و اطلاعات کافی در حوزه سازمان‌دهی و خدمات کتابخانه نداشته باشد، در ایجاد مهارت‌های لازم برای جست‌وجو و تحقیق در دانش‌آموزان موفق نخواهد بود. اگر کتابخانه‌ای را که در آن کار می‌کند، به خوبی نشناسد، قطعاً نمی‌تواند در راستای شناساندن کتابخانه به جامعه مدرسه، نقش مؤثری داشته باشد. هم‌چنین، اگر با پدیده‌های مختلف اجتماع خود آشنا نباشد، بدیهی است که قادر به همکاری در توانمندسازی و یا بهسازی روحیات اجتماعی دانش‌آموزان نخواهد بود.

به طور کلی کتابدار مدرسه باید:

- راهنمای معلمان و دانش آموزان باشد.
- خدمات خود را در قالب کتابدار- معلم ارائه دهد.
- از برنامه های درسی مدرسه آگاهی کامل داشته باشد و فعالیت کتابخانه را براساس آن هماهنگ سازد.
- دوست دانش آموزان و معلمان باشد و به آن ها یاری برساند.
- به دانش آموزان اعتماد کند و برای نظرشان ارزش قائل باشد.
- به منظور ایجاد جاذبه هرچه بیشتر، نوآوری در خدمات کتابخانه را مورد توجه قرار دهد.
- کارهای آماده سازی کتاب و نشریات را با استفاده از یک روش آموزشی ساده، به دانش آموزان ارشد بسپارد و خود به سایر فعالیت های کتابخانه بپردازد
- با ارتقای سطح آگاهی ها و کارایی های خود در زمینه دانش کتابداری و اطلاع رسانی، همگام با مدیران و معلمان، در برنامه ریزی آموزشی مدرسه و اجرای آن شرکت کند.
- با کسب مهارت در کاربرد انواع صنایع چاپی و الکترونیکی، در برنامه های ترویج کتابخوانی نقشی فعال داشته باشد^{۱۱}.

از نکات قابل ذکر، تأکید ایفلا بر رعایت استانداردهای سطح بالای دانش و اخلاق کتابداران، هنگام تعامل با مراجعان و اعضای کتابخانه است^{۱۲} که در دایره المعارف کتابداری و اطلاع رسانی نیز به آن توجه شده است. البته «معیارهای اخلاقی» و به طور کلی مقوله «اخلاق»، مبحثی نیست که با تأکیدات ایفلا و برخی مقالات چاپ شده در این باب، لازم الرعایه شود، زیرا جامعه ایرانی های مسلمان و پیروان سایر ادیان توحیدی، آراسته به زیور «اخلاق» هستند. با وجود این، توصیه ها و رهنمودهای مذکور که صرفاً به مسایل کتابداری و رفتار کتابداران می پردازد، لازم است تبیین شود.

**وقتی معلم و یا
شخصی که به
عنوان کتابدار در
کتابخانه مدرسه
حضور دارد، با
تعریف معیارهای
ادبیات کودکان،
نوجوانان و
جوانان آشنایی
ندارد و انواع
آن را با توجه
به گروه های
سنی مختلف
دانش آموزان، از
مقطع آمادگی تا
پیش دانشگاهی
نمی شناسد،
چگونه می تواند
نقش مؤثری در
مجموعه سازی
کتابخانه مدرسه
که آزمایشگاه
یادگیری است،
داشته باشد؟**



در این جا بد نیست به وضعیت کتابداران کتابخانه‌های مدارس ایران، در آینه آمار و مقررات مصوب نگاهی بیندازیم. در سال تحصیلی ۸۴-۱۳۸۳ (برابر آخرین آمار موجود)،^{۱۳} در برابر بیش از ۱۵ میلیون جمعیت دانش آموزی و حدود ۱۴ هزار آموزشگاه (به معنای اعم آن) در سراسر ایران، فقط ۴۳۲۵ نفر کتابدار اعم از مرد و زن، دولتی و اعزامی به غیرانتفاعی، رسمی و پیمانی در مناطق شهری و روستایی مربوط به مقاطع مختلف تحصیلی، شامل آمادگی، ابتدایی، راهنمایی، متوسطه و پیش دانشگاهی و مراکز تربیت معلم، مشغول به کار بوده‌اند که البته این آمار، در برابر مناطق روستایی عدد «۰» را نشان می‌دهد. قابل تعمق است که از این میان ۱۶۲۲ نفر با مدرک دیپلم، ۱۳۵۶ نفر با مدرک کاردانی، ۱۲۹۷ نفر با مدرک کارشناسی، ۵۰ نفر با مدرک کارشناسی ارشد، بدون توجه مستقیم به رشته کتابداری به صورت رسمی و پیمانی، حق التدریسی و یا قراردادی، به عنوان کتابدار انجام وظیفه می‌کنند.

از سوی دیگر، شرح وظایف کتابدار، طی بخشنامه‌ای مصوب به سال ۱۳۸۳، به مدارس ابلاغ شد که مفاد آن مبین انجام یک سلسله کار مکانیکی و تکراری، توسط روباتی به نام «کتابدار مدرسه» است شامل:

- دقت و مراقبت لازم به منظور تهیه پیش نویس‌های امور کتابخانه
- تهیه آمار
- تهیه و تدوین فیش‌های کتابخانه
- تحویل کتب مورد درخواست کارکنان و دانش آموزان
- نگهداری نشریات وارده در کتابخانه و تهیه فهرست
- شماره گذاری کتاب‌ها و تهیه فهرست‌های آن‌ها
- تنظیم و طبقه بندی کتاب‌ها
- راهنمایی دانش آموزان و کارکنان برای کتاب‌های مورد نیاز
- تهیه فهرست‌های لازم
- تحویل گرفتن مجدد کتاب‌ها
- تهیه فهرست کتاب‌های امانتی مسترد نشده
- ثبت کتب در دفتر کتابخانه
- گذراندن دوره
- عنداللزوم انجام سایر امور مربوطه

همچنین در سال ۱۳۸۴، تبصره ای بر بخشنامه مربوط به «سازمان‌دهی نیروهای انسانی در مدارس راهنمایی و متوسطه» تصویب و با این مضمون ابلاغ شد که «برای مدارس دولتی مزبور، به شرط داشتن کتابخانه مستقل، به ازای حداقل ۳۰۰۰ جلد کتاب با عناوین و موضوعات متناسب با گروه‌های سنی مربوط، حداکثر یک کتابدار قابل تخصیص است و در دوره ابتدایی، تخصیص کتابدار موضوعیت ندارد.»

این بخشنامه در زمانی صادر شده که کلاً پست سازمانی کتابدار، در وزارت آموزش و پرورش وجود نداشته و مفاد پیشین آن نیز حاکی از «یک کتابدار به ازای هر ۲۵۰۰ نفر دانش آموز» بوده است. هر چند در حال حاضر، در یکی از مدارس پسرانه پرجمعیت تهران، با حدود ۱۶ هزار جلد کتاب، فقط یک کتابدار لیسانسیه انجام وظیفه می‌کند. واقعاً می‌توان از کتابدار مدرسه، در پرتو توجهات مذکور، انتظار داشت که هم دانشمند باشد و آگاه و هم با اخلاق باشد و کارا؟! تا آن جا که می‌دانم، همواره «حق و تکلیف» ملازم یکدیگر بوده و هستند و بدون هیچ انگاره ای نمی‌توان حقی از کسی مطالبه کرد و تکلیفی به عهده وی گذاشت؛ چنانچه در ساحت حضرت حق جلاله، همین گونه تأیید و تأکید شده است: «لانکلف نفساً الا وسعها». پس چگونه می‌بایست کتابخانه‌های مدارس، به عنوان «آزمایشگاه یادگیری»، جزء جدایی ناپذیر در برنامه ریزی آموزشی کشور منظور شود؟ از دیگر نکات تأسف انگیز، بی‌توجهی مسئولان ذی‌ربط، به ضرورت نقش سازنده و مؤثر کتابدار مقطع آمادگی و دبستان است و مشخصاً چرا مفاد این بخشنامه‌ها توسط کسانی به رشته تحریر در آمده است که با روان‌شناسی کودک، یادگیری، تعلیم و تربیت، اصول علمی کتابداری و اهمیت نقش کتابخانه در ارتقای فکری - ذهنی و خلاقیت کودک روبه رشد بیگانه‌اند؟

۴. جامعه کتابخانه

هدف‌های آموزش و پرورش، به دو دسته آرمانی و آموزشی تقسیم می‌شوند.^{۱۴} ولی در کل، اندیشمند ساختن انسان‌ها و گسترش دادن افق ذهنی آن‌هاست تا به بینش، فرزاندگی و کمال نفس دست یابند.^{۱۵} بدون تردید یکی از هدف‌های عمده آن «آموزش چگونه آموختن» است؛ به مفهومی که فرد یاد بگیرد چگونه

از دیگر نکات
تأسف انگیز،
بی‌توجهی
مسئولان ذی‌ربط،
به ضرورت
نقش سازنده
و مؤثر کتابدار
مقطع آمادگی و
دبستان است و
مشخصاً چرا مفاد
این بخشنامه‌ها
توسط کسانی
به رشته تحریر
در آمده است که
با روان‌شناسی
کودک، یادگیری،
تعلیم و تربیت،
اصول علمی
کتابداری و اهمیت
نقش کتابخانه در
ارتقای فکری -
ذهنی و خلاقیت
کودک روبه رشد
بیگانه‌اند؟

آموخته‌های خود را برای رفع مشکلات به کار برد. برای دستیابی به این مرحله، باید برنامه و شیوه‌ای تنظیم و ارائه شود تا توان تفکر علمی و تحلیل‌گرایی انسان، از همان سال‌های کودکی در فرایند رشد و شکل‌پذیری منطقی قرار گیرد.

دین آگاهی بخش اسلام نیز به تعلیم و تربیت عنایت بسیار دارد و آیات بسیاری در قرآن کریم، مؤید همین مطلب است.^۶ اسلام تعلیم و تعلم را عبادت می‌داند و بر پایه اصلی آن یعنی تفکر، تأکید دارد. از منظر اسلامی، هدف از تعلیم، پرورش نیروی فکری یادگیرنده است تا رشد، تلاش عقلانی و استقلال فکری در وی حاصل شود.^۷

طبیعی است آموزشی که بر حفظ و یادگیری چند کتاب محدود درسی مبتنی و متکی باشد، نمی‌تواند بهبود کیفیت را در انسان روبه رشد و در فرایند تعالی متبلور سازد و او را به عنوان یک عامل مؤثر و مفید در توسعه اقتصادی، صنعتی، علمی، فرهنگی و ... جامعه مربوط به خود تربیت کند. او برای آن که اثرگذار باشد و بدون نگرش انفعالی در مسیر تحول و پیشرفت قرار گیرد، باید بیشتر بخواند تا بیشتر بداند. از این دیدگاه کیفی است که کتابداری، به کمک آموزش و پرورش شتافته است و «کتابخانه‌ها در بهبود کیفیت آن نیز نقش حیاتی دارند.»^۸

کتابخانه مدرسه، به عنوان بخشی از نظام آموزش کشور، می‌تواند امکان دستیابی به علم و دانش امروزی را مهیا سازد و انگیزه حیات بخش خودآموزی و فراگیری آزاد را در مخاطب خود (و دانش آموز) پرورش دهد.^۹ صاحب‌نظران حوزه آموزش معتقدند که کتابخانه و مدرسه مکمل یکدیگرند و خودفراگیری در مدرسه، بدون کتابخانه کار دشواری است. درحالی که خودآموزی، شاگرد را روشن بین بار می‌آورد و شک علمی را که پایه همه پیشرفت‌هاست، در وی پدیدار می‌کند. این نوع کتابخانه، با بهره‌مندی از پشتیبانی کتابداری مسئول، پویا و آگاه می‌تواند دانش آموزان را از وضعیتی که فقط حافظ یک سلسله محفوظات می‌شوند، به تدریج خارج کند و در فرایند پرورش هدف‌گرا و جست‌و‌جو گر قرار دهد.^{۱۰}

در جایگاه تعریف، لازم است به مخاطب اصلی، یعنی دانش آموزی که در مقاطع مختلف سنی کودکی، نوجوانی و جوانی در مدرسه حضور دارد و از کتابخانه باید بهره‌مند شود، هم‌ا‌ا با استاد توران میرهادی توجه کنیم:

«او انسانی است خالص و مستعد برای یادگیری، کسی که باید در میان مردم با یک جسم و یک روح و با نیازهای جسمی و روحی‌اش زندگی کند. با احساساتی که بتواند دنیای اطرافش را حس و تجربه کند، با فکری که دنیا را کشف کند و روابط میان اشیا و انسان را در محیطش درک کند، با قلبی که عشق بورزد و مورد علاقه واقع شود، با احساس آرمان‌گرایانه انسانی و با توانایی‌های ذاتی، خوب و بد را از هم تمییز دهد و بتواند شرافتمندانه و سخت‌کوش، رشد و پیشرفت کند.»



**کتابخانه و مدرسه
مکمل یکدیگرند
و خودفراگیری
در مدرسه، بدون
کتابخانه کار
دشواری است.
درحالی که
خودآموزی، شاگرد
را روشن بین بار
می‌آورد و شک
علمی را که پایه همه
پیشرفت‌هاست، در
وی پدیدار می‌کند.
این نوع کتابخانه،
با بهره‌مندی از
پشتیبانی کتابداری
مسئول، پویا و
آگاه می‌تواند
دانش آموزان را از
وضعیتی که فقط
حافظ یک سلسله
محفوظات می‌شوند،
به تدریج خارج کند
و در فرایند پرورش
هدف‌گرا و جست‌و‌جوگر
قرار دهد**

در سال ۱۳۸۴،

تبصره ای بر

بخشنامه مربوط به

«سازمان‌دهی نیروهای

انسانی در مدارس

راهنمایی و متوسطه»

تصویب و با این

مضمون ابلاغ شد که

«برای مدارس دولتی

مزبور، به شرط داشتن

کتابخانه مستقل، به

از ای حداقل ۳۰۰۰ جلد

کتاب با عناوین و

موضوعات متناسب با

گروه‌های سنی مربوط،

حداکثر یک کتابدار

قابل تخصیص است

و در دوره ابتدایی،

تخصیص کتابدار

موضوعیت ندارد.»

این بخشنامه در زمانی

صادر شده که کلاً

پست سازمانی کتابدار،

در وزارت آموزش و

پرورش وجود نداشته

و مفاد پیشین آن نیز

حاکم از «یک کتابدار

به ازای هر ۲۵۰۰ نفر

دانش آموز» بوده است.

هر چند در حال حاضر،

در یکی از مدارس

پسرانه پرجمعیت

تهران، با حدود ۱۶ هزار

جلد کتاب، فقط یک

کتابدار لیسانسیه انجام

وظیفه می‌کند.

بدون تردید، دانش آموز عضوی از پیکره جامعه و مبنای تشکیل اجتماعات پیشرفته آن است. برای شکل بخشیدن

به تفکر مطلوب برخاسته از گفتار فوق، باید به کار تعلیم و تربیت از راه نفوذ در ذهن و مغز نسل رو به رشد و بالنده

پرداخت که یکی از اساسی‌ترین ابزار نیل به مقصود، وجود کتابخانه‌های مجهز و منطبق بر اصول کتابداری علمی است.

با پیوند میان دانش آموز و کتابخانه مدرسه، براساس شیوه‌های متنوع خدمات عمومی کتابخانه، زمینه مساعدی برای

شخصیت‌سازی و شکل‌پذیری گروه‌های سنی مزبور مهیا می‌شود. زیرا برخی عادت‌ها و ویژگی‌های رفتاری انسان، در

خردسالی ایجاد شده و با فرار گرفتن در یک بستر مناسب و هموار، در قالب صفات برجسته و سازنده در انسان تجلی

یافته است؛ نظیر عادت به مطالعه و کتابخوانی، مشارکت در انجام کارهای گروهی، برخورداری از تحرک و مهارت‌های

لازم در فعالیت‌های مختلف، خلاقیت فکری، اعتماد به نفس، توانایی برنامه‌ریزی و مدیریت.

به طور کلی کتابخانه مدرسه، علاوه بر فضیلت‌های ویژه کتابخانه‌ای از منظر تعلیم و تربیت هم‌اهمیت بسیار دارد؛

زیرا به بالا بردن سطح دانش و مهارت دانش آموزان، پرورش استعدادهای آنان، تمهید مطالعه مستقل و ترویج خواندن،

توسعه فرهنگ جامعه و تأمین نیازهای فکری و ذهنی جامعه در یک نظام آموزشی کمک می‌کند.

با همه مطالب گفته شده در باب «دانش آموز»، به عنوان مهم‌ترین عضو جامعه کتابخانه مدرسه، هنوز مصداق

بارزی در جامعه کنونی ما ندارد، ولی می‌تواند به تبلور درآید؛ به شرط آن که رنگ خاکستری از کتابخانه‌های مدارس

زدوده شود، نظام آموزشی کشور آن را به رسمیت بشناسد و واقعیت وجودی «کتابخانه مدرسه» را جزء جدایی‌ناپذیر

آموزش رسمی بداند و موضوعیت آن را در مقطع ابتدایی نیز باور کند.

در راستای ارزشمندی پیوند دانش آموزان و کتابخانه، ایفای توصیه می‌کند که کتابخانه مدرسه باید به عنوان یک

فضای آموزشی آزاد و جذاب، برای انجام انواع تکالیف فردی و گروهی و اطلاع‌یابی به روی آنان باز باشد^۱.

چه خوب بود که رؤیای آن کتابخانه خوب و اصولی، به واقعیت درمی‌آمد و یا اگر محقق نمی‌شود بتوانم دوباره

خواب آن را ببینم!

پی‌نوشت:

۱. شیرین تعاونی (خالقی)، **استانداردهای کتابخانه‌های مدارس** (تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری

اسلامی ایران)، ۱۳۸۴، ص ۵۳-۵۷

۲. شیرین تعاونی، ص ۳-۴۱

۳. **آمار آموزش و پرورش** (تهران: وزارت آموزش و پرورش، دفتر آمار و برنامه‌ریزی و بودجه، خرداد ۱۳۸۴)

۴. شیرین تعاونی، ص ۱۴

۵. همان، ص ۱۸

۶. نرگس نشاط و عباس حری، **کتابخانه‌های آموزشی در مدرسه کتابخانه - مدار** (تهران: شبکه کتاب، ۱۳۸۳)،

ص ۷۶

۷. حمید محسنی، **مجموعه‌سازی و خدمات تحویل مدرک** . ویرایش ۲ (تهران: نشر کتابدار، ۱۳۸۳)، ص ۶۵

۸. شیرین تعاونی، ص ۱۸-۱۹

۹. ثریا قزل‌ایاغ، **ادبیات کودکان و نوجوانان و ترویج خواندن** (تهران: سمت، ۱۳۸۳)، ص ۵۹

۱۰. شیرین تعاونی، ص ۲۵-۲۶

۱۱. همان، ص ۳۰

۱۲. نرگس نشاط، «اخلاق حرفه‌ای»، **دایره‌المعارف کتابداری و اطلاع‌رسانی** (تهران: کتابخانه ملی جمهوری

اسلامی ایران، ۱۳۸۱)، ج ۱، ص ۱۱۱-۱۱۳

۱۳. آمار آموزش و پرورش

۱۴. توران میرهادی، «**آموزش و پرورش**»، فرهنگنامه کودکان و نوجوانان (تهران: نشر فرهنگنامه، ۱۳۷۱)، ج ۱، ص ۱۷۹

۱۵. کتابخانه آموزشی (تهران: مرکز خدمات کتابداری، ۱۳۵۵)، ص ۱

۱۶. مرتضی مطهری، **تعلیم و تربیت در اسلام** (تهران: الزهراء، ۱۳۶۲)، ص ۱-۱۰

۱۷. مانند آیات سوره‌های بقره: ۲۶۹، قصص: ۸۰، زمر: ۹۰، جامعه: ۲، علق: ۱-۵

۱۸. هوشنگ ابرامی، **شناختی از دانش‌شناسی**. ویرایش ۲ (تهران: نشر کتابدار، ۱۳۷۹)، ص ۷۳-۷۴

۱۹. مجید رهنما، «**کتابداری در خدمت مردم**»، نامه انجمن کتابداران ایران، ش ۲ (تابستان ۱۳۵۳): ۱۶۲

۲۰. مه‌ری پریخ، «**نقش مدرسه در استفاده از کتابخانه‌های آموزشی و رشد**»، گلپانگ، ش ۴ (۱۳۷۷): ۱۱

۲۱. شیرین تعاونی، ص ۴۰